

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جو آلن
برگردان از: نیکوپوروزان
۱۳ اکتوبر ۲۰۱۶

ویتنام: جنگی که ایالات متحده در آن به زانو درآمد

۲

استیلاي فرانسوی ها

هنگامی که فرانسوی ها وارد هندوچین شدند، آنامی ها [ویتنامی ها] برای بندگی آماده بودند.

پال دومر، فرماندار هندوچین^۱

پیش از فتوحات فرانسوی ها در اواخر قرن نوزدهم، ویتنام ملت مستقلی بود. اگر چه مبلغین مذهبی و بازرگانان فرانسوی، برای تبلیغ مسیحیت و برقراری مناسبات بازرگانی، از اوایل قرن هفدهم به ویتنام آمد-و-شد می کردند، اما، از نیمه قرن نوزدهم به بعد بود که ناگهان سمت-و-سوی سیاست دولت فرانسه نسبت به هندوچین به طور بنیادین تغییر نمود. فرانسوی ها دیگر به اعطای امتیاز از سوی ویتنام راضی نبوده بلکه خواهان کنترل کشور در تمامیتش بودند. رقیب های فرانسه – بریتانیا، بلجیم، المان، هالند، و پرتغال – درگیر تنش های درونی بر سر جدا کردن و به استعمار کشیدن بخش هایی از این منطقه بودند که می توانست برای شان منبع مواد خام، بازارهای تازه و سرمایه گذاری های سودآور باشد. به موازات تسلط بریتانیا بر هندوستان و چین، فرانسه نیز برای آن که از ثروت باد آورده ای که در انتظارش بود محروم نماند به هندوچین لشکر کشید.

سیاست مداخلات که از سوی پادشاهی ویتنام تحت رهبری امپراتور منفور **چوو نوک**^۲ (۱۸۴۷-۸۳) از خاندان **توئین**^۳ دنبال می شد به فرانسه در دستیابی به هدف های کمک بسیار نمود. رژیم **چوو نوک** با قیام رو به رشد دهقانی روبه رو بود که خاندان سلطنت خطر آن را بزرگتر از پیاده شدن فرانسوی ها در سواحل کشور می دید. این یک اشتباه جدی در محاسبه بود. از زمانی که فرانسوی ها در ۱۸۶۳ شش استان را در اطراف سایگون تصرف نمودند، **چوو نوک** کشور

¹ Paul Doumer

به نقل قول از:

Stanley Karnow, "Vietnam: A History", (New York: The Viking Press, 1983), p. 97

² Tu Duc

³ Nguyen

را تکه-به-تکه به دست فرانسوی‌ها داد. **چوو بوک** بخش‌های بزرگتری را در ۱۸۴۷ واگذار نمود و سرانجام در ۱۸۸۲ هائوی به تصرف فرانسوی‌ها در آمد. در این زمان، فرانسه حاکمیت تمام کشور را در دست داشت.^۴

پس از تصرف کامل ویتنام، اولین کاری که فرانسوی‌ها کردند محو ویتنام به عنوان یک موجودیت سیاسی بود. این یک مورد کلاسیک از سیاست "تفرقه بینداز و حکومت کن" بود. کشور توسط فرانسوی‌ها به سه استان اداری تقسیم شد: **تونکن**^۵ در شمال، **آنام**^۶ در مرکز، و **کوچین چینا**^۷ در جنوب. تونکن و آنام، جایی که گویا تخت-وتاج سلطنت هنوز دست نخورده باقی مانده، "تحت‌الحمايه" به حساب می‌آمد، در حالی که **کوچین چینا** بی‌پرده به عنوان مستعمره اداره می‌شد. در عمل، فرق میان "تحت‌الحمايه" و "مستعمرگی" افسانه‌ای بیش نبوده و فرانسوی‌ها حاکم بر تمام امور بودند. آن‌ها امپراتور را به همراه انبوهی از به اصطلاح رایزن‌ها و در واقع کل بوروکراسی استعماری را به سلیقه خویش تعیین می‌کردند.^۸

اقتصاد ویتنام بنا به مصلحت فرانسوی‌ها و هم‌دستان ویتنامی‌شان تجدید سازمان گردید. **پال دوهر** معمار اصلی سیاست‌های فرانسه در ویتنام بود که به عنوان فرماندار هندوچین منسوب گشته و در سال ۱۸۹۷ وارد این کشور شد. هدف اصلی وی از همان بدو ورودش به ویتنام تبدیل این کشور به "مستعمره‌ای سودآور" برای فرانسه بود. **دوهر** گفته بود که هندوچین "آن روزی که دیگر مستعمره‌ای فقر زده نباشد خدمتگذار فرانسه در آسیا خواهد بود... سازمان قدرتمندش، ساختار مالی و اقتصادی‌اش ... جملگی به نفع سروری فرانسوی‌ها استفاده می‌شود." **دوهر** برای تولید و بازاریابی مشروبات الکحلی، نمک و تریاک انحصار ایجاد نمود. سوداگران فرانسوی که منافع‌شان در منافع بانک قدرت مند هندوچین کرده خورده بود، از این ره آورد سرمایه‌های کلان به جیب زدند.^۹

سیاست‌های استعماری فرانسه بزرگترین ضربه را به کشت برنج زد که منبع معاش اکثریت بزرگی از سکنه بود. فرانسوی‌ها و دشمن‌یاران ویتنامی به سرعت بهترین زمین‌های حاصلخیز را به زور از دست کشاورزان خارج ساخته و تصاحب نمودند. ده‌ها هزار جریب از زمین‌های کشاورزی از ویتنامی‌ها به بهای بسیار کم خریده شده و به فرانسوی‌ها واگذار گردید. بسیاری از فرانسوی‌ها تا هفت هزار جریب زمین را تصاحب کرده بودند. اما، به رغم این راهزنی، بسیاری از ویتنامی‌ها هنوز چیزی در دست‌شان مانده بود. بعد از سال ۱۹۰۰ بود که زمین‌دزدی فرانسوی‌ها افزایش یافت. در دهه سی (قرن بیست) بیش از نیمی از کشاورزان در **تونکن** و **آنام** بی‌زمین بودند، در حالی که این رقم در **کوچین چینا** به هفتاد و پنج درصد می‌رسید و بقیه نیز مالک مقدار ناچیزی از زمین بودند.^{۱۰} کشاورزان اجارمدار و سهم‌بران کشاورزی می‌باید پنجاه تا هفتاد درصد از محصول‌شان را به زمین‌داران داده و به علاوه هدایا و خدمات مجانی بدهند.

سرمایه‌گذاری فرانسه در صنعت و کشت کائوچو تأثیر بسزائی بر ویتنام، به ویژه پس از جنگ اول جهانی داشت. بخش عمده سرمایه‌گذاری‌ها در کشت کائوچو بود که سالانه بین صد تا دویست هزار ویتنامی در آن به کار گرفته می‌-

⁴ Quoted in Ngo Vinh Long, "Vietnam's Revolutionary in Vietnam and America," in Vietnam and America: A Documented History, edited by Marvin Gettleman, Fane Franklin, Marilyn B. Young, and H. Bruce Franklin (New York: Grove Press, 1995), pp. 5-8.

⁵ Tonkin

⁶ Annam

⁷ Cochinchina

⁸ James William Gibson, *The perfect War: Technowar in Vietnam* (Boston/New York: Atlantic Monthly Press, 1986), P. 33.

⁹ Karnow, p 116.

¹⁰ Ngo, p 9.

شدند. شرایط کار برده‌واری بود. کشتزارهای کائوچوی متعلق به **میشلین**^{۱۱} به کشتارگاه معروف شده بود. کائوچو که پس از برنج بزرگترین کالای صادراتی ویتنام به شمار می‌رفت، توسط کارگران پیمانی تولید می‌شد که به شدت از بیماری‌های مرگباری مانند مالاریا، اسهال خونی، و بدی تغذیه رنج می‌بردند به طوری که در یکی از کشتزارهای شرکت **میشلین** بین سال‌های ۱۹۴۴-۱۹۱۷ تعداد دوازده هزار نفر از چهل و پنج هزار کارگر این شرکت جان باختند. عین همین شرایط برده‌واری در معدن‌ها نیز وجود داشت که دره مرگ لقب گرفته بودند. این کارگران نه تنها برای آلودگی‌هایی که در آن زندگی می‌کردند اجاره می‌پرداختند، بلکه می‌باید هزینه ابزار مورد نیاز کارشان را نیز خود بپردازند. کارگران برای کوچکترین تخلفات مورد مجازات سنگین قرار گرفته و کسانی که مبادرت به فرار می‌کردند مورد شکنجه قرار گرفته و می‌باید گرسنگی بکشند.^{۱۲}

دستمزد کارگران ویتنامی برای کار شاقی که انجام می‌دادند چقدر بود؟ بر اساس آمار منتشر شده از سوی دولت استعماری فرانسه، مزد یک کارگر ویتنامی در اواخر دهه ۱۹۲۰ که کار تمام وقت داشت به طور متوسط سالانه ۴۸ **پیاستر**^{۱۳} بود که به زحمت خرج یک سال قوت برنج یک نفر را تأمین می‌کرد. یا آن گونه که مؤرخ ویتنامی **نگو وین لونگ** به تصویر می‌کشد: "حتا هزینه سگ خانگی فرانسوی‌های استعمارگر نیز بسا بیش از این و به طور متوسط ۱۵۰ پیاستر در سال بود." به علاوه، مزد بسیاری از کارگران توسط کارفرما با دوز-و-کلک به طور کامل پرداخت نشده و در موارد دیگر مابه‌ازای دستمزد، از فروشگاه کمپانی برنج و سبزیجات به کارگران داده می‌شد. تا سال ۱۹۲۹ و پیش از شروع بحران، تعداد کارگران شاغل در صنایع و در بخش بازرگانی بالغ بر ۲۲۰۰۰۰ نفر بود.^{۱۴}

فرانسوی‌ها تنها استثمار اقتصادی را با خود نیاورده بودند، بلکه به همراه خویش به اصطلاح "مأموریت متمدن‌سازی" را در کیسه داشتند که ملغمه‌ای از پدر-سروری و نژادپرستی با هدف تغییر شکل دادن ویتنامی‌ها به ایماژ فرانسوی بود. یا به تعبیر یکی از هواداران دو آتشه امپریالیسم فرانسه - این به اصطلاح رسالت فرانسه بوده که گویا می‌باید که "نژادها و مردمانی را که هم‌چنان در یوغ جهالت و استبداد به سر می‌بردند به سمت روشنائی و آزادی هدایت کند." این مأموریت هدایت مردم به سمت "روشنائی" در حقیقت به معنای پرورش سرکوبگری فرهنگی بود که مستقیماً زبان خلق‌های ویتنام را هدف گرفته، و هم‌زمان سرکوبگری سیاسی بود که هر گونه مخالفت سازمان‌یافته را در مد نظر داشت.^{۱۵}

پیش از استیلای فرانسوی‌ها، هشتاد درصد جمعیت ویتنام عملاً با سواد بوده که از نشانه‌های نوشتاری (نویسک‌های) چینی برای نوشتن به زبان ویتنامی استفاده می‌کردند. فرانسوی‌ها نویسک‌های چینی را ممنوع کرده و به جای آن الفبای فرانسوی یا الفبای لاتین را گذاشتند. این سیاست به اصطلاح فرهنگی فاجعه‌بار بود. در زمان شروع جنگ جهانی دوم، کمتر از یک پنجم کودکان (پسر) ویتنامی به مدرسه می‌رفتند. یکی از فرمان‌دارهای کل ویتنام گفته بود که "ویتنامی‌ها می‌توانند به زبان خویش تکلم کنند، اما، نه می‌توانند بخوانند و نه می‌توانند بنویسند. ما تا کنون بی‌سوادی تولید می‌کرده ایم."^{۱۶}

سرکوب سیاسی در ویتنام قاعده بود. هر شکلی از مخالفت سازمان یافته علیه قدرت استعماری به شکلی بی‌رحمانه سرکوب می‌شد. فرزندان معدودی از ثروتمندان ویتنامی که برای تحصیل به فرانسه فرستاده می‌شدند در بازگشت به

¹¹ Michelin

¹² Karnow, pp. 117-118.

¹⁴ Ngo, p11.

¹⁵ Karnow, p. 79.

¹⁶ Karnow, p. 115.

¹³ Piastre واحد پولی که استعمار فرانسه در هندوچین به جریان انداخته بود.

کشورشان به ناگاه از خواب طلائی‌شان بیدار شده و رو-در-روی واقعیت قرار می‌گرفتند. حقوق و امتیازهایی که در فرانسه از آن بهره برده بودند در آستانه ورود به کشور خاتمه می‌یافت. در بدو ورود، پولیس استعماری کتاب، روزنامه و جزوه‌هایی را که به اصطلاح "ادبیات برانداز" محسوب می‌شد مصادره می‌کرد. یکی از دانشجویانی که در هنگام ورود بازداشت شده بود آن چنان خشمگین شده بود که در دادگاه به قاضی گفت که بی‌عدالتی فرانسوی‌ها از "وی یک انقلابی ساخته است."^{۱۷} نیروی امنیت فرانسه (پولیس استعماری) مخالفان را شکار کرده و مورد شکنجه قرار می‌داد و در جزیره مخوف پانولو کوردون^{۱۸} که قفس‌های ببرش معروف بود، زندانی می‌کرد.

ناسیونالیسم و کمونیسم

در وهله نخست، نه کمونیسم، بلکه میهن‌پرستی راهنمای من در اعتماد به لنین در انترناسیونال سوم بود.

هو چی مین^{۱۹}

در آغاز قرن بیستم، فرانسه ارباب سراسر هندوچین بود. اما، همان گونه که جیمز گیسن می‌گوید، "در تلاش برای حقه کردن هر چه عمیق‌تر حاکمیت استعماری بر فرهنگ ویتنام، فرانسوی‌ها حس مقاومت را در ویتنامی‌ها برانگیختند. استعمار بر ویتنام حاکم بود، اما، در عین حال تضادهایی را ایجاد می‌نمود که باعث تضعیف می‌شد." ناسیونالیسم مدرن ویتنام در دهه اول قرن بیستم و در میان بخشی از ماندارین‌های^{۲۰} مخالف استعمار پا گرفت.^{۲۱} اگرچه ماندارین‌ها به طور عمده در خدمت امپراتورهای عروسی فرانسوی‌ها بودند، اما بعضی‌ها نیز نقش امپراتوری در ویتنام مستعمراتی را به زیر سؤال می‌بردند. این پرسش که "چه کسانی ویتنام را از دست دادند؟" نخست در میان ناراضی‌های ماندارین مطرح شد که در مسیر الهام‌جویی به گذشته پناه برده و در عین حال در غرب مدرن دانشی را می‌جستند که تا در ایجاد جنبش مقاومت به آن‌ها یاری برساند. در این چنین پروسه‌ای بود که دو خط فکری جداگانه پدیدار شد. فان بوی چاو^{۲۲} نماینده خط فکری اول بود که معتقد بود که یک امپراتور نیرومند با کمک چین و جاپان خواهد توانست فرانسه را شکست دهد. اندیشه وی در وهله نخست از دیدگاهی فئودالی بود که می‌خواست با اتکاء به ماندارین‌ها نیروی امپراتوری را در ویتنامی مستقل از نو مستقر سازد. او در باره تغییرات اقتصادی و اجتماعی ره-آورد امپریالیسم فرانسه تقریباً چیزی برای گفتن نداشت. وی که دائماً مورد تعقیب سازمان امنیت فرانسه قرار داشت در تبعید به سر می‌برد که سرانجام در ۱۹۲۵ و در سن ۵۸ سالگی دستگیر شد. هزاران ویتنامی دادگاه محاکمه وی را دنبال می‌کرده و از حکم قاضی فرانسوی برای اعدام وی به شدت خشمگین بودند. حکم اعدام بعداً تخفیف یافت. او در سال ۱۹۴۰ هنگامی که در بازداشت خانگی به سر می‌برد در گذشت.

¹⁷ Karnow, p. 115.

¹⁸ Poulou Cordone

به نظر می‌رسد که نویسنده در ذکر نام زندان مزبور دچار خطا شده باشد. جزیره ای که فرانسوی‌ها در آن زندان ساخته و بعداً توسط امپریالیسم ایالات متحده و رژیم مزدور و ددمنش ویتنام جنوبی مورد استفاده قرار گرفت جزیره "کون سون Con Son" نام داشت که بسیاری از زندانی‌ها در شرایطی دردناک در قفس نگاه داشته می‌شدند. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه از جمله رجوع شود به وبلاگ <http://historianagainstwar.org> (م).

¹⁹ Quoted from Ho Chi Minh, "The Path Which Led Me to Leninism in Vietnam and America" in Gettleman et al., p. 22.

²⁰ Mandarins (چینی تبارها)

²¹ Gibson, p. 33.

²² Phan Boi Chau

فان چو ترین^{۲۳} خط دوم ناسیونالیسم ویتنام را نمایندگی می‌کرد. وی فرزند یکی از زمین‌داران ثروتمند بود. ابتداء وی به طرفداری از هام انگی^{۲۴}، امپراتور ناراضی پرداخت. سپس، به همراه چاو به جاپان رفت و در این سفر بود که با وی بر سر نیات واقعی جاپان نسبت به هندوچین دچار اختلاف شده و از او جدا گردید. وی هنگامی که به ویتنام بازگشت، اقدام به ایجاد مدرسه ای مدرن برای آموزش دختران و پسران نموده و دست به افشای دورویی فرانسوی‌ها زد. وی در عین حالی که به فرانسوی‌ها حمله می‌کرد، اما بر این باور بود که ویتنام می‌تواند با کمک دیوان‌سالاری فرانسه به جامعه‌ای مدرن تبدیل شود. ولی، فرانسوی‌ها در سال ۱۹۰۸ مدرسه‌اش را تعطیل کرده و خود وی نیز دستگیر و به اعدام محکوم گردید. این حکم، اما، بعداً با یک درجه تخفیف به حبس ابد در جزیره پانولو کوردون تبدیل گردید. هنگامی که وی پس از سه سال از زندان آزاد شد برای بسیاری از تحصیل کرده‌های ویتنامی به سمبل مقاومت در برابر استعمار فرانسه تبدیل شده بود. در مراسم تشییع جنازه وی در سال ۱۹۲۶ بیش از شصت هزار نفر شرکت کردند.^{۲۵}

این دو اگر چه الهام‌بخش بسیاری برای ورود به مبارزه سیاسی ناسیونالیستی بودند، با این وجود، اما، جنبش سیاسی‌شان کوچک باقی ماند. دلیل این امر در وهله نخست این بود که این جنبش‌ها تنها لایه بسیار نازکی از طبقه متوسط تحصیل کرده ویتنام را جذب کرده بود. با این حال، پایان حیات سیاسی این هر دو در دهه بیست مصادف با نقطه عطف عمده‌ای در سطح آگاهی خلق ویتنام بود. "تاریخ قرن بیستم ویتنام را باید در متن تغییرات بنیادین در سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی بخش بزرگی از مردم ویتنام در دوره ۱۹۲۰-۴۵ ارزیابی نمود."^{۲۶} حزب کمونیست به رهبری هو چی مین که مبارزه علیه امپریالیسم را با یک پایگاه اجتماعی در میان دهقان‌ها، روشنفکران، و به درجاتی کمتر، در میان طبقه کارگر کوچک در هم آمیخته بود، از این شرایط بیش از همه بهره برد.

هو چی مین در خانواده ای ناسیونالیست بزرگ شد و پدرش از ناراضی‌های چینی-تبار بود. پدرش از هر دو سیستم فرانسوی و ماندارین نفرت داشت. هو در سال ۱۹۰۸ و در سن پانزده سالگی در تظاهرات علیه استعمار فرانسه شرکت کرد. در پی سرکوب سبعانه فرانسوی‌ها، هو رفته‌رفته به سمت گرایش‌های رادیکال جذب شده و بدین ترتیب نظر پولیس استعماری فرانسه را به خود جلب نمود. وی در سال ۱۹۱۱ از بیم دستگیری از کشور خارج شد. او در یک کشتی بازرگانی فرانسوی کار پیدا کرده و بدین ترتیب روانه فرانسه شده و تا سی سال به کشور باز نگشت. وی در ۱۹۱۷ به پاریس نقل مکان نمود. در آن زمان سرخوشی‌های میهن‌پرستانه که در آستانه جنگ جهانی اول کشورهای اروپائی را در خود گرفته بود، به طور وسیعی با احساسات ضدجنگ جایگزین شده بود. چپ انقلابی بار دیگر شروع به احیاء نموده و تأثیرات انقلاب روسیه رفته‌رفته احساس می‌شد. جامعه بزرگ ویتنامی‌های مقیم فرانسه که تعدادشان افزون بر صد هزار نفر بود، از نظر سیاسی بسیار فعال و سرزنده بود. هو در بهترین زمان ممکن در بهترین جای ممکن قرار گرفته بود. وی در آن زمان به *نونین*^{۲۷} "میهن‌پرست" شناخته می‌شد. وی که به فعالیت در

²³ Phan Chu Trinh

²⁴ Ham Nghi

²⁵ Gibson, pp. 37-38.

برای مطالعه بیشتر در زمینه‌ی واکنش ناسیونالیسم در برابر استعمار فرانسه به منابع زیر رجوع شود:

David Marr, *Vietnamese Anti-colonialism, 1885-1925* (Berkeley: University of California Press, 1971)

David Marr, *Vietnamese Tradition on Trial, 1920-1945* (Berkeley: University of California Press, 1981)

²⁶ Quoted in Marr, *Vietnamese Tradition on Trial*, p. 2.

²⁷ Nguyen Ai Quoc

حزب سوسیالیست فرانسه کشیده شده بود، به سرعت به یکی از سرشناس‌ترین فعالان سیاسی ویتنامی در فرانسه تبدیل شد.

کنفرانس صلح ورسای در سال ۱۹۱۹ برای بررسی شرایط پایان جنگ برگزار شد. **هو چی مین** برای دادخواهی حقوق ویتنام به آن کنفرانس رفت. برنامه چهارده ماده‌ای **وودرو ویلسن**^{۲۸}، رئیس جمهور امریکا که شامل حق ملل برای تعیین سرنوشت‌شان بود، نظر وی را جلب نمود. او در دادخواستش به کنفرانس ورسای، اگر چه خواهان استقلال برای ویتنام نشد، اما، درخواست حقوق دموکراتیک گسترده برای مردم ویتنام و آزادی تمامی زندانی‌های سیاسی را مطرح نمود. **هو** سعی به ملاقات با هیأت نمایندگی امریکا نمود که درخواستش رد شد. **هو چی مین** نیز مانند بسیاری از ناسیونالیست‌های مستعمرات این نکته را دریافته بود که حق تعیین سرنوشت مورد نظر **ویلسن** فقط برای کشورهای اروپایی بوده و شامل حال خلق‌های مستعمره‌ها نمی‌شود. اما، دفاع وی از خلق ویتنام در ورسای برای وی اعتباری را کسب نمود که تا دهه‌های متوالی دوام یافت.^{۲۹}

یک سال بعد از آن وی در صدر هیأت نمایندگی هندوچین در کنفرانس حزب سوسیالیست فرانسه در تورز^{۳۰} شرکت نمود. حزب در آستانه شقه شدن بین دو جناح اکثریت که خواهان پیوستن به انترناسیونال کمونیستی (کمینترن) در مسکو بود و جناح اقلیت مخالف قرار داشت. هنگام حضورش در کنفرانس، **هو** به یک نسخه از "تزی پیرامون مسایل ملی و استعمار" **لنین** دست یافت. این نوشته تأثیر عمیقی بر وی گذاشت زیرا که خلاف شونیسیم ملی حاکم بر انترناسیونال دوم، **تزی لنین** مدافع حق ملل تحت ستم در تعیین سرنوشت خویش بود. وی در مصاحبه‌ای در ۱۹۶۰ گفت که: "در ابتداء، به جای کمونیسیم، میهن پرستی راهنمای من در اعتماد به **لنین**، در انترناسیونال سوم بود. قدم-به-قدم، و در راستای مبارزه، با مطالعه مارکسیسم-لنینیسم و همگام با شرکت در فعالیت‌های عملی، به تدریج به این واقعیت دست یافتم که تنها سوسیالیسم و کمونیسیم توان رهائی ملل زیر ستم را دارد. **هو** به حزب نو پای کمونیست فرانسه پیوست و در پی چند سال فعالیت سیاسی در فرانسه در سال ۱۹۲۴ به مسکو رفت.^{۳۱}

زمانی که **هو چی مین** وارد مسکو می‌شد، کمینترن از نظر سیاسی به انحراف افتاده و به طور فزاینده‌ای به ابزاری در خدمت سیاست خارجی بوروکراسی **ستالینی** تبدیل می‌گردید. تئوری نوین ستالین از "بنای سوسیالیسم در یک کشور" که بیان سیاسی بوروکراسی در حال عروج بود، سوسیالیسم را از هیأت انترناسیونالیسم طبقه کارگر خارج ساخته و به توسعه ناسیونالیستی دولتی تبدیل ساخته بود. این تغییرات تأثیرات بسیار مخربی بر خاور دور داشت. **لنین** در تزه‌های کمینترن در ۱۹۲۰ هشدار داده بود که انقلابی‌ها در "کشورهای مستعمره و عقب مانده" باید از "ائتلاف با دموکراسی بورژوائی" خودداری کرده و باید که "تحت هر شرایطی استقلال جنبش پرولتری را حفظ کنند."^{۳۲} در حالی که **ستالین** دقیقاً خلاف این سیاست را در چین در پیش گرفته بود.

چین در نیمه دهه بیست در وضعیت انقلابی به سر می‌برد. با این حال، به جای آن که کارگران چینی را به تسخیر قدرت در اتحاد با دهقانان فقیر فراخواند، **ستالین** حزب کمونیست چین را مجبور به ائتلاف با **چنگ کای-شک**^{۳۳} و

²⁸ Woodrow Wilson

²⁹ Gibson, pp. 39-40.

³⁰ Tours

³¹ Quote from "The Path Which Led Me to Leninism in Vietnam and America," p. 22. For a complete account of Ho Chi Minh's life, see the most modern biography by William Duiker, *Ho Chi Minh: A Life* (New York: Hyperion, 2000).

³² V. I. Lenin, "Preliminary Draft Thesis on the National and Colonial Question," available at www.marxists.org/archive/lenin/works/.

³³ Chang kai-Shek

پیوستن به **کومینتانگ**^{۳۴} تحت موافقت نامه‌ای نمود که از نظر سیاسی دست حزب را کاملاً بست. اگرچه **کومینتانگ** نماینده طبقه سرمایه‌دار فاسد و ارتجاعی چین بود، اما، حزب کمونیست روسیه سال‌های متمادی **چنگ** را مورد ستایش قرار داده و کمک‌های بی‌دریغ اقتصادی و نظامی در اختیارش قرار می‌داد تا بتواند ارتشش را سازماندهی کند. آن زمان این گونه استدلال می‌شد که پیش از آن که کارگران بتوانند برای سوسیالیسم مبارزه کنند، چین می‌باید مرحله انقلاب بورژوا-ناسیونالیستی را به اتمام برساند. نتیجه این "ائتلاف" این بود که کارگران انقلابی و مبارزان کمونیست در سال ۱۹۲۷ به دست **چنگ** قتل عام شدند.

اگرچه **هو چی مین** در زمان قتل عام کمونیست‌ها به عنوان ناظر کمینترن در چین به سر می‌برد، اما، هیچ‌گاه سیاست‌های ستالین را مورد انتقاد قرار نداد. وی تا پایان عمرش هوادار غیر-انتقادی ستالین باقی ماند. در واقع، کمونیسمی که وی بدان باور داشت اساساً ناسیونالیسم رادیکال با رنگ و لعاب سرخ بود.^{۳۵} هنگام حضورش در چین، وی صدها ویتنامی را در مدرسه هائی که کمینترن ایجاد کرده بود آموزش داد؛ کسانی که بعداً هسته‌های جنبش کمونیستی ویتنام را تشکیل دادند.^{۳۶}

همزمان، مبارزات سیاسی در ویتنام از اواسط دهه بیست آغاز گردید. چندین گروه انقلابی برای سازماندهی دهقانان، کارگران و روشنفکران علیه رژیم استعماری تشکیل شد. طبقه کارگر کوچک ویتنام نیز در سال ۱۹۲۸ با شروع یک جنبش اعتصابی وارد صحنه شد. ابتداء کارگران آجوسازی سایگون دست به اعتصاب زدند و مدت کوتاهی پس از آن کارگران نفت، رزین‌کاران، پارچه‌باف‌ها، و کارگران راه آهن به آن‌ها پیوستند. رکود اقتصاد جهانی که با سقوط بازار سهام وال استریت در سال ۱۹۲۹ آغاز شده بود، برای ویتنام گرسنگی و بیکاری وسیعی را به همراه داشت. در این سال‌ها بود که شورش شکست خورده سربازان بومی ارتش استعماری ویتنام به عنوان نشانه خشم مردم بر پا شد.

جنبش چند-پاره کمونیستی ویتنام زیر فشار تحولات سیاسی در ویتنام و برای عقب نماندن از این تحولات در فبروری ۱۹۳۰ در هنگ کنگ در کنفرانس وحدت گرد هم آمد. سه حزب کمونیست ویتنام در طی این کنفرانس در حزب کمونیست هندوچین (آی. سی. پی.) ادغام شدند.^{۳۷} **هو چی مین** مدیریت اجلاس را به عهده داشت. از جمله مواد برنامه حزب می‌توان از سرنگون سازی [حاکمیت] امپریالیسم فرانسه، استقلال کامل ویتنام، مصادره دارائی فرانسوی‌ها، برقراری هشت ساعت کار روزانه، لغو تمامی مالیات‌های غیرعادلانه، تأمین آموزش همگانی و برقراری تسلاوی جنسی نام برد.

حزب کمونیست هندوچین بلافاصله مورد تعقیب و سرکوب ددمنشانه قرار گرفته که مرگ و یا زندانی شدن هزاران تن را در پی داشت. فرانسوی‌ها در میانه دهه سی [قرن بیستم] با ایجاد گشایش در روند انتخابات سعی به دادن امتیازات محدود نمودند. دولت جبهه خلق فرانسه به رهبری **لئون بلوم**^{۳۸} که در جولای ۱۹۳۶ به قدرت رسید، دستور آزادی هزاران زندانی سیاسی ویتنامی را صادر کرد. هزاران نفر تحت رهبری حزب کمونیست در مراسم روز کارگر در سال ۱۹۳۸ راهپیمائی کرده که حزب را به عنوان یک جریان جدی مطرح ساخت. در سال ۱۹۳۹ و با بر سر کار

³⁴ Kuomintang

³⁵ "پیشنویس تزیهای مقدماتی" لنین از جمله بر "نیاز برای مبارزه مصمم علیه هر گونه تلاشی جهت دادن رنگ و لعاب کمونیستی به گرایش‌های بورژوا-دموکراتیک رهائی بخش در کشورهای توسعه نیافته" تأکید داشت.

³⁶ برای مطالعه بیشتر پیرامون وضعیت وخامت بار انترناسیونال کمونیستی در این دوره نگاه شود به:

Duncan Hallas, "Trotsky's Marxism (London: Pluto Press, 1979) and The Comintern (London: Bookmarks, 1985).

³⁷ Indochinese Communist Party (ICP)

³⁸ Leon Blum

آمدن یک دولت دست راستی در فرانسه، اما، فضاء کاملاً تغییر نمود. سرکوب ناسیونالیست‌ها و کمونیست‌ها در ویتنام بار دیگر در دستور روز قرار گرفت. آن چه که تا همین دیروز قانونی بود، به ناگاه غیرقانونی گردید. *وونوئین ژیاپ*^{۳۹}، رهبر نیروهای ویتنامی از ۱۹۴۶-۱۹۸۰، تقریباً تمامی بستگان درجه یکش را در زندان فرانسوی‌ها از دست داد. فرانسوی‌ها همسر دوم **هو** را اعدام کردند. با این همه، حزب کمونیست در شرایطی که اوضاع جهانی آستان حوادث بزرگی بود کماکان دوام یافت.

ادامه دارد

³⁹ Vo Nguyen Giap